

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

آخوند فرمودند: افعال گرچه نزد نحا، مشتق هستند ولی از محل نزاع در مشتق اصولی خارجند. به همین مناسبت، مرحوم آخوند يك مطلبی را که نحویها در باب افعال مطرح کرده‌اند، آورده و بررسی می‌کنند و این بحث ارتباطی به نزاع در باب مشتق ندارد و يك بحث استطرادی است:

بین نحویها مشهور است که افعال به نحو دلالت تضمینی دلالت بر زمان دارند، یعنی: فعل ماضی دلالت بر زمان گذشته دارد و فعل مضارع ... و به‌طوری این مسئله مشهور است که بعضی از نحا در مقام تعریف فعل، دلالت بر زمان را در تعریف اخذ کرده و گفته‌اند: الفعل كلمة تدل على معنى في نفسه مقترنة بأحد الأزمنة الثلاثة، که این‌جا در تعریف فعل، اقترا ن به زمان را اخذ کردند که مسئله اقترا ن شبیه به دلالت تضمینی است، یعنی: فعل به دلالت تضمینی دلالت بر زمان دارد و زمان جزء موضوعه فعل است.

آخوند می‌فرماید: این حرف باطل است و به نظر ما فعل دلالت بر زمان ندارد و زمان جزء موضوعه افعال نیست:

ابتداءً يك نقض وارد است به این بیان که شما زمان را در فعل ماضی و مضارع تصویر کردید، ولی در فعل امر چه زمانی را تصویر می‌کنید و فعل امر دلالت بر چه زمانی دارد؟ شما نمی‌توانید در فعل امر، زمانی را بیان کنید، و همین‌طور در فعل نهی که در موضوعه آن زمانی وجود ندارد.

وقتی به لغت رجوع کنیم فعل امر (اضرب) و فعل نهی (لا تضرب) يك ماده دارد و يك هیئت، و هیچیک از ماده و هیئت اینها دلالت بر زمان ندارد؛ زیرا ماده آنها «ضرب» است که دست بر زمان ندارد و هیئت هم که انشاء طلب است دلالت بر زمان ندارد، بلکه تکلم متکلم و این که متکلم می‌گوید: اضرب، این انشاء متکلم، در زمان حال واقع شده است؛ و این که انشاء، در زمان حال است غیر از این است که بگوییم: زمان حال، داخل در موضوعه فعل امر است.

پس این سخن نحوی ها که «افعال، مقترن به زمان هستند» شامل فعل امر هم هست و حال آنکه در فعل امر - مادّتا و هیئتاً - زمان وجود ندارد.

ما اصلاً ادّعا می‌کنیم که خود فعل ماضی و مضارع هم فی‌نفسه دلالت بر زمان ندارند، ماضی و مضارع هم ماده و هیئت دارند و مادّتا و هیئتاً در آنها زمان اخذ نشده است؛ مثل ضَرَبَ که فعل ماضی است، نه مادّتا دلالت بر زمان دارد و نه هیئت آن که فَعَلَ است دلالت بر زمان دارد.

بله، اگر وضع را کنار بگذاریم و بگوییم: اگر متکلم، کلامی و فعلی را گفت و این فعل را از نظر زمان، مطلق گذاشت؛ و علاوه بر

اطلاق کلامش، این فعل را هم به يك زمانی اسناد داد؛ این اسناد به يك زمان لازمه‌اش این است که حتما باید این فعل در يك زمانی اتفاق افتاده باشد.

بالاخره اگر بخواهیم بگوییم در موضوع‌له فعل ماضی یا مضارع، زمان اخذ شده است، در دو مورد اشکال می‌کنیم:

1- آن‌جا که فاعل را خود زمان قرار داده و بگوییم: مضی الزمان. این‌جا اگر بگویید که «مضی» فعل ماضی است و دلالت بر زمان گذشته دارد، معنای این جمله این است که: زمان در زمان گذشته گذشت؛ و حال آنکه «زمان در زمان» غلط است و اتحاد ظرف و مظروف می‌شود. و لذا شما نحوی‌ها چاره‌ای ندارید که در «مضی الزمان» بگویید: فعل ماضی دلالت بر زمان ندارد و فعل ماضی را از زمان مجرد کنید و استعمال شما، استعمال مجازی بشود.

2- آن‌جا که فاعل را يك موجود مجرد و غیر زمانی قرار دهیم مثل: «عَلِمَ اللَّهُ». اگر بگویید که فعل ماضی دلالت بر زمان گذشته دارد، معنای این جمله چنین است: خدا در زمان گذشته دانست؛ و حال آن‌که بطلان این روشن است.

پس با توجه به این دو مورد می‌فهمیم که در موضوع‌له فعل ماضی مسئله زمان نیست، یعنی: به ضمیمه این‌که می‌دانیم استعمالات مثل «مضی الزمان» و «عَلِمَ اللَّهُ» غلط نیست و صحیح است، و عنایت و تجرید و تجوُّز در آنها وجود ندارد، می‌گوییم که خود فعل ماضی دلالت بر زمان ندارد و در موضوع‌له فعل ماضی، زمان وجود ندارد.

بعید نیست در فعل ماضی آن‌جا که به يك زمانی نسبت داده می‌شود، بتوان از يك راهی زمان گذشته را استفاده کرد، و در فعل مضارع هم اگر فاعل آن يك موجود زمانی شد زمان حال یا استقبال را استفاده کرد؛ و آن راه این است که.

در هر يك از فعل ماضی یا مضارع خصوصیتی وجود دارد که آن خصوصیت دلالت بر وقوع نسبت بین فعل و فاعل دارد، و این نسبت اگر به يك فاعل زمانی نسبت داده شد لامحاله در زمان وقوع یافته است. بنابراین می‌توان گفت افعال به دلالت التزامی دلالت بر زمان دارد.

در فعل ماضی خصوصیتی که وجود دارد، خصوصیت تحقق و ثبوت است، یعنی: فعل ماضی دلالت بر تحقق نسبت بین فعل و فاعل دارد. این فاعل اگر فاعل زمانی باشد و مثلاً گفتیم: ضَرَبَ زَيْدٌ، زمان گذشته داخل در موضوع‌له ضَرَبَ نیست، بلکه ضَرَبَ دلالت دارد بر این‌که بین فاعل (زید) و ضَرَبَ يك نسبتی تحقق پیدا کرده است که دلالت بر تحقق و ثبوت دارد. با توجه به تحقق و ثبوت نسبت از يك طرف و زمانی بودن فاعل از طرف دیگر، لامحاله این نسبت باید در زمان گذشته تحقق پیدا کند.

در فعل مضارع خصوصیتی آن خصوصیت تَرَقُّب و انتظار است و «یضرب» یعنی: «ضرب» مورد انتظار است. حالا با توجه به این خصوصیت، اگر فعل به فاعل زمانی نسبت داده شود این خصوصیت بر زمان حال یا استقبال انطباق پیدا می‌کند و خود زمان حال یا استقبال داخل در موضوع‌له نیست.

پس در فعل ماضی و مضارع خصوصیتی است که از راه انطباق این خصوصیت، زمان ماضی و مضارع را می‌فهمیم.

شما نحوی‌ها در جمله اسمیه می‌گویید که دلالت بر ازمه ثلاثه دارد، و خود شما نحوی‌ها این را از طریق وضع قائل نمی‌شوید بلکه از راه خصوصیت، این ازمه را برای جمله اسمیه ثابت می‌کنید، و آن خصوصیت، خصوصیت استمرار است که قابل انطباق بر ازمه ثلاثه است. حال که چنین است، در فعل ماضی و مضارع هم زمان ماضی و مضارع را از راه خصوصیت ثابت کنید.

سپس آخوند دو مؤید برای اخذ زمان در فعل از راه خصوصیت بیان می‌کند:

مؤید اوّل: شما که می‌گویید فعل مضارع، مشترك بين حال و استقبال است، آیا می‌خواهید بگویید که زمانی اعمّ و قدر مشترك بين حال و استقبال است؟

مسلم این نیست؛ زیرا زمانی که قدر مشترك بين حال و استقبال باشد نداریم، پس این‌که می‌گویید: زمانی مشترك بين حال و استقبال داریم، از راه همان خصوصیت است. به عبارت دیگر، کسانی که زمان را جزء موضوع‌له افعال قرار داده‌اند قطعاً مراد آنان مصداق زمان است، در حالی که مشترك معنوی در صورت متصور است که موضوع‌له را مفهوم زمان به صورت عام قرار دهیم.

مؤید دوّم: گاهی فعل ماضی حقیقتاً در استقبال استعمال می‌شود و گاهی فعل مضارع حقیقتاً در ماضی استعمال می‌شود. ولذا ما دوجور ماضی و مضارع داریم:

ماضی و مضارع حقیقی که ملاک را در آنها زمان نطق قرار می‌دهیم، مثلاً: «ضَرَبَ زیدٌ» که نسبت به زمان إخبار، ماضی حقیقی می‌شود.

ولی لازم نیست ماضی و مضارع همیشه حقیقی باشد و گاهی فعل ماضی حقیقتاً در استقبال استعمال می‌شود ولی ماضی اضافه است: زید می‌آید بعداً نزد من ولی قبل از این‌که بیاید کتک خورده است «ضَرَبَ قبله» که این ماضی اضافی است.

و همین‌طور مضارعی داریم که حقیقتاً در ماضی استعمال می‌شود ولی مضارع اضافی است. دو سال پیش آمد نزد من وهو یضرب.

اگر بخواهید بگویید ماضی حتماً باید در زمان حقیقی استعمال شود نسبت به زمان تکلم پس با این استعمالات چه می‌کنید؟

و صَلَّی اللّٰه علی محمد و آلّه الطاهرين